

و روشنی ترین حرکات و اقدامات مندرک میکنند
 چنانکه خون در عروق از باب غیبت فسیب و مو
 بریدن و احتیاج به ناموس و یا نیت و است میفروش
 و انسان از علم و آگاهی تجت میکند و شکو
 و شبهات در اطراف و طهای تنگ و عشا
 عادی پیدا شده مثل لکه های اجزای اطراف
 افق صاف و روشن بر آید و طهای آید و امکن
 و نیالان و آشوش میکند یا الا اقل تا چینه
 قبل میکند و آشوش میگردد چه بود
 روپیه میگفتی بود و سبب که از بغاز بر تنگ
 تا ساحل یا لیت طول و از دریای سفید بهما
 تا جلغای اند با پجان عرضا استاد داشت و
 نمکنه این قطعه زمین میگذرد و هشاد و دو
 ملبون و دوهزار و ششصد نفس مواهن

اوائل سال ۱۹۱۱ بالغ بودند که آن ^{سال} جمله ^{میلیون} میلیون
 مسلمان شمرده میشد و بهنگام ضرورت دولت
 قادر بود که متجاوز از پانزده میلیون مسلمان را
 بیاورد که تمام این مملکت وسیع و هزارین ایلات
 نفوس که بریکیت ملک تقریباً منقسم میشدند
 که بر تقسیم میل و از آنکه بلکه هوای و هوای
 جبار بودند که من غیر استیفاء و بر حسب
 وزارت مقام امیر الطوری و وزیر ذوالشمال
 کرده و بر حسب میل شخصی خود سلطنت میکرد
 بنحویکه یکخیال خابی که در کله پر خونش امیر
 از برای انقای ملوونها نفوس شهری و خراب
 کردن شهرها و بتوان کردن مملکتها کافی بود
 و هیچکس حق باز پرس و چون و چرا در کارها
 او نداشت این امیر الطوری جبار و این بجهت

استبداد که منی کتی بر وجه عالم در قبالی از او
 خاصند از چند سال با این طرف تمام هشتاد
 زایر حسب پولتیک در یاری پطرس پور منقطع
 بسکت اسنا کرده و با مخصوص مملکت ما را از
 اعمال قدرت و بر وجه بیاریت خود قرار داده و
 بدستهای خودی و بیگانه از او تکاب هیچ ششما
 که خانه مملکت نامضایقت نمیکرد چنانچه
 اگر فحایح چند ساله روسیه در بیان جدا گانه
 جمع و تألیف شود یک کتاب ضخیم خواهد شد
 که برای ایشان حضرت دینم فخر امیر اطوره
 تا روز قیامت کافی باشد و واقعه دهم ربیع
 نیز از همین فحایح و داخل همین دفتر و منتهی
 یومین استبداد و ناشی از همین دینم است
 که تصور میکرد که جعی از او باش و او را

این شهر و برخی از منتهی این استان مقدس و ضویا
 بعنوان شاه طلوع استبداد خواهی متحصن گشته
 و پس از یکسلسله دسپسها و پیغامهای شری
 بر ضد ممالک جلای از چهار طرف ببقعه مطهره
 توپ بسته و هجوم برده راه فرار ایشان را از گداز
 و مبالغه از نفوس بیگناه را که اغلب زواران حضرت
 و در حرم مطهره مشغول عبادت بودند در میان
 مرم مشغول و از خون آن بیگناهان گدود تواد
 و فرس و زمین آن بقعه منوره را رنگین کنند و
 با ما کفری که مطاف و معبد کافر مسلمانان و در نزد
 تمام ملل عالمه است و محترم بشمار است در اینها
 مشغول دارند که فلان از بیانش فاصر و تکرارش موجب
 انصاف و خاطر است ما مسلمانان با این فاجع
 نگر بسته خون دل میخوریم و جز خداوند مستم
 ک

که در دهای شب و روزهای دل خود را با و عزیزان خود
 و جز او را پیشوایان دین خود سلام الله علیهم
 که بخدمت آنها نطلب میگردیم هیچ ملجا و دادگری
 زیرا که امروز مثل امروز از سر پست واقعی محروم بودیم
 و کدام قوه بود که بتواند در مقابل آن استدلال
 پنجه مقاومت و پافشاری نماید مگر قوه حیضت
 و مگر باطن شریعت که چون پیمانۀ جبار و
 سنگاری آن دولت بریم که برین دست انقضا
 الهی از استین قدرت و قهاریت برآمده و چنین که
 بخاطر احدی خطور نکرده بود بشیور آید
 چنانکه امروز که در هم دین و دنیا و کمال
 کامل از روزی بنا و دستان استقامت مقدس در
 گذشته است چون بشاید بخواد ما این گفتند
 رجوع کنیم به هوش و متحیر شده و خواهر

تو عنان بهر کس که در این عالم یافتند و در هر جایی
 یافتند مقام الهی است که هرگاه بیشتر از حد و مشرت
 خارج شده و سبعت و شرافت و طبیعت او
 غالب است و دریندگان خدا ظلم و ستم روا داد
 در پرتو و ان بخا از ان الهی با او میسر و یکسر علی
 خود گرفتار میشود

راه دل درویش و عامیانه (که خود نیز برنگزاید) ^{نند}
 باز هم روی که در بیع الثاني است امیر اطوری
 و در سینه منحل و امیر اطوری ^{مجلس} مجبور و مقبول شده
 و بلکه تا کنون شاید استخوانش خالی شده باشد
 خانواده امیر اطوری مستشرق و پریشان و اغلب
 مقبول یا از وطن خود دورند ^{میران} و قریباً
 آن درده که بر یک در مقام فرعون ^{پولیس} جدا گانه
 بودند و چهار نهضت بولشویکی کشند و مشعل

کیلی غیثان کن که خس و خاشاک و آبر داشته با طرف
 متفرق میکند همان قسم این نهضت عظیم نظام
 انانرا گیسخته و از عزت بزلت و از غنی بفقیر
 و از فریاد همی فقرمانبری و بارهای از تخت تخت
 و از روی زمین بر پر زمین روانه میفرمایند
 کجا است آنکه در دهم و بیع الثانی سر باوانس
 بیگ اشرف بقعه مقدسه امام علیه السلام
 را مثل آنکه بند را در تور میخواستند بگیرند مورد
 مهاجم قرار داده و ایشان نفیسه و مقدسه را
 غارت میکردند تا ببینند که قصورش دستخوش
 غارت و اقامتگاه علم و کارگران گردیده و
 ملکش بجزیر شده و نظامش مفلک شده و
 تمام نظام از دست و دشمن کسی نیست که نام او را
 نیکی یاد کند جز لعنت و نفرین

کجا نیست آنکه پیشوایان آزادی بنا دارند و خط
 ماست نماستگ کرده و مثل جانیان و مقصرا
 بنار می کشند تا به بیند چگونه فرزندان و خویشا
 و در پارا فاش و آتشی بازان میکنند و بعضی را
 کاد که چندین تن از شاهزادگان و صاحب منصبان
 در جبر اول را بخاک و هلاک می اندازند .

کجا نیست آنکه در دهم ریح الشانجی نیست
 و راحت نماز اسلب کرده و خوف و وحشت
 دل های پیران و بیوه زنان انداخت تا ببیند
 که امروز در تمام قلمرو مش خط و غلا و خوف و
 وحشت و مرگ فرما نرواست و امنیت و راحت
 بلکه مسلوب و هیچ ذی روحی بر جان خود
 نیست چه جای عرض مال .

کجا است آنکه خیال خام تصرف هندوستان
 ملک

بلکه کل اسباب در کله اش جا کرده و در پرتو آنند و
 همین وینا در پیوند و از هیچ فضاغی و شتاب
 پروانداشت نایبند که بیجاغی آن خیاالات و خیا
 چه افکار عالی و چه خیاالات بلند پدید آمده و
 همان کسانی که داخل آدم و قابل اعتنا نیستند
 امری صد در صد کارهای بزرگ و پیشرونده
 این است که معنی انشام الهی و چنین است که
 عمل زشت و هنوز بر کس همانند چیزهای دیگر
 نخواهد دید که عقیده اش در این باب حکم از
 خواهد شد **وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِيزٌ**
 سید حسن طبری . مؤلف گوید
 پنجاه پیش از دم ربیع الثانی نگذشت که جنک
 اردو با بواسطه قتل و لطمه و طریش چنانکه
 کیفیتش ذیلا نگاشته میشود شروع گردید

بعضی از آنها را اینک قریباً شش سال است که دول اروپا
 یکدیگر میکنند، تا اثره حرب شتملی و معلوم است
 این زمان این جنگ بزرگ دنیا خاتمت خواهد شد
 (از کسکافانت عمل غافل مشو)

فصل در بیان احوال

در هنگام سیاحت و بصره اطریش فرانسویان
 از اسیا یکی از اولایات جنوبی اطریش است
 دومین قصد کشندش کردند اولین مرتبه
 بود که ادیس که رسک با اعیان خود در افشامیل
 نشسته و بیرون همسانی بزرگ دارا حکومت
 (پای تخت اسیان است) یکی از کارکان مطبوعه
 کار بیویج سمب سوی افشامیل انداخت
 و در آن زمان ایشان یا شش هزار نفر از اهالی شهر
 زنجی شدند که پس فرود میآید بقصر رفت و

بعد از پذیرا شدن همی از او باز بنای شهر و
 گشت شهر را گذاشت در خطو افتابیل حکومت
 انجا نشسته بود و گران کارها هم روی پاره افتاد
 اینست که اگر دارد دیگر میخواهند قصد کشن بکنند
 خود زاد روی ارس گرسک انداخته بجا تش دهند
 هنگام برگردانیدن افتابیل بکوچه ابریسف که
 فدای ارام بیفت صدای و شلول بلند شد
 اینست که حکومت خیال کرده بخیر گذشت و گویی
 بخرج نشد چهارس گرسک با خیال ساکن و
 ضامت فشنه بودند ولی بکل از تحقیقات
 معلوم گشت بخش زخمی شده و جراحاتشان
 کاری است در میان از من تامل را که تا من
 برینیب شاگرد هشتم کلاس گهسار یا
 رضا بوزن با کلاس ششم متوسطه بود
 دستگیر

دستگیر نموده حبس کردند قتل
 افشاگری کردند یا عیالش، چنان زود حادثه
 شد که اغلب اهالی اطراف فهمیدند و چند
 گذشت که مشارالیه در این ولایت مقتول
 گردید ۱۸۶۳ م سامبر ۱۸ تولد یافته بود و پیش از
 کاروانی برادر کوچک فرانس بوسیف ^{از اطراف}
 اطرافش بود تقریباً ۱۹۰۱ م و شصت و نه ساله
 سیاهی اخراج میفود و وقت خود را با سرور و
 که خود او بی انداز دوست میداشت میگذاشتند
 ولی از سال ۱۹۰۱ م بعد شروع با اداره کردان امور
 ممالکی و تهیه وسائل جنگجوی با خصم نمود و ضمناً
 بر طلبی که داشت با او بیامیزان ^{مصلحت}
 چه با او دوستی زیادی داشت بعکس با او هیچ انداز
 ضد او و از این جهت خصم ممالک اطرافش

استمجم حذافا ولذا فاقه اقای سکارا لیک

احتمالاً

چون وضع کتاب بر اختصار بود شرح و فایده
جنک در این ممکن نشد که بجز بکرا و نظریات
فقط برخی از حوادث میسر را بطریق متکلی از
جرائد یا ترجمه بدون ملاحظه ترتیب از شرف
مطالعه خوانندگان محترم میگذرانیم تا اینکه
از قاریان عظام فراخوردن خود بهره برد و
استفاده کند و البته برای استبصار از کوشش
روزگار خود مندا نواند کادی کافیت که
(الشجرة تنبئ عن الثمرة) (هر کسی در دو خاکی که کشت

اعلانات جنک

در سنه ۱۹۱۴ میلادی - مطابق

۱۳۲۲ هجری

- (١) اطيريش - بيريستا ، ١٠ ثورير - مطابق ٣٠ رمضان
 (٢) اللان - يوريس ، ٢ اوت - مطابق ١٠ رمضان
 (٣) اللان - بفرقير ، ٣ اوت - مطابق ١١ رمضان
 (٤) اللان - بيلوتك ، ٤ اوت - مطابق ١٢ رمضان
 (٥) انگليس - بالكا ، ٥ اوت - مطابق ١٣ رمضان
 (٦) اطيريش - بيدا ، ٦ اوت - مطابق ١٤ رمضان
 (٧) قراذاغ - باطيريش ، ٧ اوت - مطابق ١٥ رمضان
 (٨) قراذاغ - باللان ، ٨ اوت - مطابق ١٦ رمضان
 (٩) بيريستا - باللان ، ٩ اوت - مطابق ١٧ رمضان
 (١٠) فرانك - باطيريش ، ١٠ اوت - مطابق ١٨ رمضان
 (١١) انگليس - باطيريش ، ١١ اوت - مطابق ١٩ رمضان
 (١٢) ثايون - باللان ، ١٢ اوت - مطابق ٢٠ رمضان
 (١٣) اطيريش - بيلوتك ، ١٣ اوت - مطابق ٢١ رمضان
 (١٤) زوس - يعبجا ، ١٤ اوت - مطابق ٢٢ رمضان

۱۵۹ فرانسه - پیتزا ، دو قاصر - مطابق ، ایزمجه
۱۶۰ انگلیس - پیتزا ، دو قاصر - مطابق ، ایزمجه

اعلانات جنک

دکترینه سیلابی - مطابق شماره ۱۳۳

(۱۳۰) ایتالیایی - باطریق ، ۲۴ - مطابق ، رجب

(۱۳۱) ایتالیایی - پیتزا ، ۲۲ - مطابق ، اشوال

(۱۳۲) بلغاریه - بیس ، ۱۸ - مطابق ، ایزمجه

(۱۳۳) فرانسه - پیتزا ، ۱۷ - مطابق ، ایزمجه

(۱۳۴) روس - پیتزا ، ۱۶ - مطابق ، ایزمجه

(۱۳۵) ایتالیایی - پیتزا ، ۱۵ - مطابق ، ایزمجه

اعلانات جنک

دکترینه سیلابی - مطابق شماره ۱۳۴

(۱۳۶) المانی - پیتزا ، ۱۴ - مطابق ، ایزمجه

(۱۳۷) ایتالیایی - پیتزا ، ۱۳ - مطابق ، اشوال

(۲۵) دو نما - با طریقی - ۲۷ اوت - مطابق ۲۷ شوال

(۲۶) بلعنا - برو نما - ۱ شامبر - مطابق ۱۰ جمادی الثانی

شرح صدقاً - ولذا انا محمد اقای کاشانی

نطق نیکو کردی ای امام (مراجع تشریح قشور)

بیتما اینک شد مطابق ۱۹۱۳

بانهایت شایسته و دل بستگی استقبال مینماید

مملکت ما اعلان جنگ را و من معتقد باینکه

باهمان حس بانجام خواهیم رساند چنگ را هر گونه

سخت و دشواری بنادوی نهصد و اینجا بشما

مطشنا میگویم و از روی قوت قلب قول میدهم

که صلح نخواهم کرد تا اینکه مملکت ما تهی ماند از

سلاح و از خصم و کارهای یکر و پنهان شده دامن مقصود

بگفتادیم و در این مجمع که هر یکدل و متحد ایم

بشما که رؤسای قشون و باعث افتخار مملکت من

میشاید

میباشید و لگوم واپسند و آری بوده این لشکر قوی
 سپاه بیقیان را بدستان میسپادم و پیشرفت
 قشون را در هر اقدای از شما میخواهم و البته
 یقین دارم که در مقام جانفشانی نسبت بوطن و
 دولت خود از تجل هیچ مشقتی دریغ و مضایقت
 روا نخواهید داشت و من منتظر از همه شماها
 جد و جهدی را که در ذاتی سبب سرفرازی مملکت
 و موجب افتخار سلطنت بوده باشد

(ترجمه از کتاب جنگ عظیم) ترجمه میرزا علی نقی که زاده

المُلکُ اللهُ

فرمان خدا بونی - راجع بیطریح در دولت علیه ایران
 السُّلْطَانَةُ السُّلْطَانَةُ السُّلْطَانَةُ السُّلْطَانَةُ السُّلْطَانَةُ
 نظر باینکه در این اوقات متاسفانه باین دولت
 نا ثره جنگی مشتعل است و ممکن است این محاربه

محدود ملک ما نزدیک شود و نظر اینک در روابط
 و ذاتیه ما بجهت الله با دول متخاصمه برقرار است بری
 اینک عموماً طالبان آزادیات ما در حفظ و صیانت
 این روابط حسنه نسبت به دول متخاصمه مطلع نباشند
 لکن در مشرف میفرماییم که جناب مستطاب اجلاس
 اکرم انجم مبین دستور معظم مستوفی الممالک
 رئیس الوزراء و وزیر داخله فرمان ملوکانه را
 بفرمایند تا این وحکام و مأمورین دولت با این
 دادند که دولت ما در این موقع مسأله بیطرفی
 با اتحاد و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه
 گماکان حفظ و صیانت مینمایند و بدین لحاظ
 مأمورین دولت را با یک متوجه نمایند که نباید
 وجهه سب و آبرو بر او هر یک و همراهم را
 بفرمایند و دول متخاصمه نموده و با اسلحه و آتش

تعمیرت برای یکی از طرفین تدارک و یا حمل کنند
 و باید از طرفی با سر کدام از دو طرف متعارف برود
 و احتیاج نموده مسلك بیطرفی دولت متبوعه خود
 را کاملاً رعایت نمایند و در تکمیل حفظ بیطرفی
 و صیانت روابط حسنه با زانچه هیئت دولت
 مصلحت دانند و بعضی برسد در اجرای مقررات
 این امر ملوکانه شرف صدور خواهد یافت

۱۱ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۳۲

(نقل از شماره ششم عصر جدید)

بیطرین کرد - زندگانی خالیه نزار درود
 از منبع موثقی شرح ذیل جامع بزندگان نزار
 در میدان جنک تحصیل شد - اعلی حضرت نزار
 در یک غارت دو طبقه کوچک در دو طاق بالا
 با و پر در بارود و نفر از صاحب منصبان نزار

متوقف است چند نفر از مستخدمین در طبقه
 زیری منزل دادند شاور و شاور صاحب
 نظای در مکانهای اطراف خانه جای گیرند
 عمری شده و پر مشقت طی میکند از طلوع
 فجر الی عصر بدون تفریح مشغول انجام امور
 مملکتی میباشد البتة اش عبارت است از یک
 نیم تنه و کمر بند و شلوار و چکمانند نالداها
 اول کارها که صبح مشغول میشود و در محلی که
 نقشه فرود دیواری او بران و تغییر و تبدیلات
 که در سرحدات واقع گشته و در آنها با اعلامات
 و متخاقتها نشانه گذاشته اند بدقت ملاحظه
 میکند و بعد با طاق کار میرود و مشغول کارهای
 خود میشود به ساعتی از ظهر گذشته تا هاد
 میل میکند و بعد یک عدده پیشان که مشغول

بر صاحب منصبان نظایب الاشرافای بلاد
 و بعضی مدعوین با بعضی ناموس برناهار
 پذیرائی میکند مگر بات ابد استخوان نمیکند
 پس از مختصر صحبتی بفرمایند از مهمانها سو
 اتوموبیل میشوند و بیکر کثی لشکر میرود
 آن وقت مراجعت نموده تا ساعت هفت
 بعد از ظهر مشغول کار میباشد و در این
 شبی که شامل از سه خود اوقات است
 میکند و الی ساعت ده با مهمانها صحبت
 پس از آن دریا که با طاق نشین خود میرود
 نامدتها بیدار تمام چراغهای شهر کوچک
 خاموش و در پیچه ها نار یک لیکن چراغ نوار
 مرتبه دوم غارت روشن و خودش مشغول است
 (فصل ششم در سال اول چینی)

که زمین بشوند بدیهی است که بر هیچکس این مسئله
 پوشیده نبوده است ولی تعجب در این است که در
 دوره گذشته تمام قزاقان مسلمانان و چه در
 روسیه گفته میشد که روسیه فقط دفاع از تجاوز
 دشمن و پانزدهم نمودن حقوق ملت روس میکند
 و هیچ قصد دیگری ندارد و حال معلوم میشود
 برای حفظ حقوق خود نبوده که چنان میگردد ^{است}
 بلکه برای اغماز آن دولت ضعیف تر از خود بوده ^{است}
 حال مستقیمین باید اعتراف نمایند که در چندین
 خون اقلاده میلیون نفر در پیادین حرب برآ
 آزادی و نگهداری خود نبوده بلکه لازم بوده ^{است}
 دولت عثمانی را که تاکنون توانست است حفظ
 استقلال خود را نماید سلطانهای شام و
 فلسطین دولت اسلامی ایران و افغانستان

الراس آوردن و تمام خاک اطراف رودخانه دین و
 ملی از او بخوا که در اینجا سکنی دانست مملکت چین و
 اهالی آن قدر بیشتر مملکت را و با الاخره کلیه دولت
 و ملی را که از اینجا و ذات متفقین مصون مانده
 و پیشه نظامی تمدن ادو پایشان با انها تا بحال
 نرسیده و خفته شان نکرده است بدست آورده در
 و خوار نموده میاست جا برانه خود را در باره انها
 بجزی دارند و استقلال انها را اسلب کرده بدست
 روس - انگلیس - فرانسه و ایتالیا شان داده
 تمام امور عالم را این دولت بدست ظالم خود بگیرند
 و این همه خون فقط برای بزرگی و سپادت این
 مملکت بیگانه در چشمه شده است که برای آزادی
 و قوت - قارین محکم را با این نکته نیز جلب
 معطوف باید نمود که شمشیر برنده دیپلوما می

اروپا برای عالم اسلام مشرقی زمین پیر شده و برای
 کج و نا بود ساختن آنها ساجی و جا میدند بیش از
 هر زاید ^{در این مسئله} مسلمانها چکر جزو قشون روس انگلیس
 و فرانسه مشغول خربند وقت نمایند زیرا آنها
 در راه سایرین خون خود را ریخته و وفا داری
 بینمایند در صورتیکه آن سایرین از خدیوات
 و جانفشانی آنها استفاده کرده و بدست خود
 آنها را با پیشه خد عجز و مکر از روی زمین میخوانند
 بر آنرا زند (فلا نر شناه ه سال اول بهاس)
 مؤید و مناسب این مسد ظا
 نطق یکی از وندای جنک اینلاف مثلث است
 که مؤلف بعضی از جمله های آنرا بدون تصرف
 در عبارات ^{برای} آگاهی یافتن مسلمانان از خیانت
 فاسد آنها که درباره دین و این ما داشته اند